

ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

الدِّينُ وَالتَّدِينُ (دین و دینداری)

یونس: ۱۰۵	حَنِيفًا	لِلدِّينِ	(... اَقِمْ وَجْهَكَ
	یکتاپرست	به دین	روی آور

با یکتاپرستی به دین روی آور.

لَنَا:	يَقُولُ	التَّارِيخُ	وَ	الْإِنْسَانِ	فِي	فِطْرِيَّ	أَتَدِينُنِي
به ما	می‌گوید	تاریخ	و	انسان	در	ذاتی	دینداری

دینداری در انسان ذاتی است و تاریخ به ما می‌گوید:

لا ^(۱)	شَعْبٍ	مِنْ	شُعُوبِ	الْأَرْضِ	إِلَّا	وَكَانَ لَهُ	دِينٌ	وَ	طَرِيقَةٌ	لِلْعِبَادَةِ.
هیچ ... نیست	ملت	از	ملت‌ها	زمین	مگر	و داشت	دین	و	روش	برای عبادت

هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر این‌که دینی و روشی برای عبادت داشته باشد.

فَالْآثَارُ	الْقَدِيمَةَ	الَّتِي	اِكْتَشَفَهَا	الْإِنْسَانُ،
پس آثار	قدیمی	که، کسی که	کشف کرد آن را	انسان

پس آثار قدیمی‌ای که انسان آن‌ها را کشف کرد،

و	النَّحْضَارَاتِ	الَّتِي	عَرَفَهَا	مِنْ	خِلَالِ	الْكِتَابَاتِ	وَ	النَّقُوشِ	وَ	الرُّسُومِ	وَ	التَّمَاثِيلِ،
و	تمدن‌ها	که، کسی که	شناخت آن را	از	میان	نوشته‌ها	و	نگاره‌ها	و	نقاشی‌ها	و	تندیس‌ها

و تمدن‌هایی که آن‌ها را از میان نوشته‌ها و نگاره‌ها و نقاشی‌ها و تندیس‌ها شناخت،

تؤكد	اهتمام	الإنسان	بالدين	و	تدل ^(۲)	على	أنه ^(۳)	فطري	في	وجوده؛
تأکید می‌کند	توجه	انسان	به دین	و	راهنمایی می‌کند	بر	که او	ذاتی	در	وجودش

توجه انسان به دین را تأکید می‌کند و دلالت می‌کند بر این‌که آن در وجودش ذاتی است؛

ولكن ^(۴)	عبادته	و	شعائره	كانت	خرافية؛
ولی	عبادت‌هایش	و	مراسم‌هایش	بود	بیهوده (خرافی)

ولی عبادت‌هایش و مراسم‌هایش بیهوده (خرافی) بوده‌اند؛

مثل	تعدي	الالهة	و	تقديم	القربان	لها	ليكنسب	رضاه	و	تجنب	سرها.
مانند	چندگانگی	خدایان	و	تقدیم	قربانی‌ها	برای او	برای به‌دست آوردن	خشنودی او	و	دوری کردن	بدی او

مانند چند خدایی (چندگانگی خدایان) و تقدیم قربانی‌ها برای آن‌ها به‌خاطر به‌دست آوردن خشنودی‌اش و دوری کردن از بدی‌اش.

و	ازدادت	هذه	الخرافات	في	أديان	الناس	على	مر	الانصوار.
و	افزایش یافت	این	افسانه‌ها (خرافات)	در	دین‌ها	مردم	در	گذر	زمان‌ها

و این افسانه‌ها (خرافات) در گذر زمان در دین‌های مردم افزایش یافت.

ولكن ^(۵)	الله	تبارك ^(۶)	و	تعالی ^(۷)	لم يترك ^(۸)	الناس	على	هذه	الحالة؛
ولی	خدا	برتر و مقدس شد	و	بلندمرتبه شد	رها نکرده است	مردم	بر	این	حالت

ولی خداوند مقدس و بلندمرتبه مردم را بر این حالت رها نکرده است؛

فقد قال	في	كتابه	الكريم:
پس گفته است	در	کتابش	کریم، پرمعنا، بخشنده

پس در کتاب (قرآن) کریم خود فرموده است:

أ	يخشب	الإنسان	أن يترك	سدى	القيامة: ۳۶
آیا	می‌پندارد	انسان	که رها شود	بیهوده و پوچ	

آیا انسان می‌پندارد که بیهوده و پوچ رها شود؟

۱. «لا»ی نفی جنس است.
 ۲. «تدل» از ریشه «د ل ل» است.
 ۳، ۴، ۵. «أن» و «لكن» از حروف مشتبه بالفعل هستند.
 ۶. «تبارك» و «تعالی» فعل هستند.
 ۸. «لم يترك» به صورت ماضی ساده منفی و نیز ماضی نقلی منفی ترجمه می‌شود.

و	هنا	قالوا	حزقوه	و	انصروا	آیهتکم	الأنبياء: ۶۸
و	این جا	گفتند	بسوزانید او را	و	یاری کنید	خدایانتان	

و در این موقع «گفتند او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.»

فقدفوه	في	النار	فأنقذه	الله	منها
پس انداختند او را	در	آتش	پس نجات داد او را	خدا	از آن

پس او را در آتش انداختند و خدا او را از آن نجات داد.

□ عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْحَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (بر اساس متن درس، درست و نادرست را مشخص کن.) ✓ ×

- ✓ ۱- كَانَ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينَ لِلْإِهْمَةِ كَسَبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا.
(هدف از تقدیم قربانی‌ها برای خدایان به‌دست آوردن خشنودی آن‌ها و دوری کردن از بدی‌شان بود.)
- × ۲- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَضْعَرِ الْأَضْنَامِ.
(ابراهیم عليه السلام تبر را روی شانه کوچک‌ترین بت‌ها آویزان کرد.)
- × ۳- لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.
(برخی از ملت‌ها دینی یا روشی برای عبادت نداشتند.)
- ✓ ۴- الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ.
(آثار قدیمی توجّه انسان به دین را تأکید می‌کند.)
- ✓ ۵- إِنَّ التَّنَدُّيْنَ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ.
(همانا دینداری در انسان ذاتی است.)
- ✓ ۶- لَا يَتْرُكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدًى.
(خدا انسان را بیهوده و پوچ رها نمی‌کند.)

واژگان

الضراع: کشمکش	الحنيف: یکتاپرست	آیه: خدایان، معبودها
الطين: گِل	حزق: سوزاند	أخصر: آورد، حاضر کرد
الاعظم: استخوان	حمي: پشتیبانی کرد، حمایت‌کرد (مضارع: یحُمي)	أعان: یاری کرد (مضارع: يُعین / مصدر: إعانة)
العصب: پی	«إخميني (فعل امر «إحم» + نون وقایه + ی): از من پشتیبانی کن»	أعتي (فعل امر «أعن» + نون وقایه + ی): مرا یاری کن.
علق: آویخت	حقل: تحمیل کرد (مضارع: يُحَمِّلُ)	أقم وجهك: روی بیاور
عقل: خردورزی کرد	الخرافة: سخن بیهوده و پاره، افسانه، موهوم‌پرستی	(ماضی: أقام / مضارع: یقیم)
الفطري: ذاتی، درونی، طبیعی	الداء: بیماری	اكتشف: یافت، کشف کرد
الفأس: تبر	الدين الحنيف: دین راستین	أنقذ: نجات داد
القرآن: خواندن	سعي: تلاش کرد، شتافت «إسْعَوْا (امر): بشتابید»	(مضارع: يُنقذُ / مصدر: إنقاذ)
القربین: قربانی‌ها	سوی: به‌جز	الأضنام: بت‌ها
الکتف، الکتف: شانه	السجن: زندان	الإنشراح: شادمانی
كسرت: شکست	السلام: آشتی، صلح	الأشودة: سُروِد
لا ... له: ندارد	السدي: بیهوده و پوچ	البتسات: لابخندها
المفسدة: مایه تباهی	السيرة: روش و کردار، سرگذشت	بدؤوا يتهامسون: شروع به پیچ‌پیچ کردند
المجيب: برآورنده	الشعائر: مراسم	(ماضی: تهامس / مضارع: يتهامس)
ما يلي: آن چه می‌آید		التجيب: دوری کردن
النقوش: کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها		(ماضی: تجنَّب / مضارع: يتجنَّب)
		الخط: بخت

سیرة = سلوك کردار، رفتار	سُدِّي = عَبْتًا پوچ و بیهوده	اِكْتَسَبَ = حَصَلَ عَلَيَّ = نَالَ به دست آورد	تَدَلُّ = تُرْشِدُ راهنمایی می کند	حَنِيفٌ = مُوَحَّدٌ یکتاپرست	مترادف
سَوِيٌّ = غَيْرٌ = اِلَّا به جز	غَايَةٌ = هَدَفٌ هدف	اَنْقَذَ = اَنْجَى نجات داد	عِيدٌ = حَفْلَةٌ جشن	اِكْتَشَفَ = وَجَدَ یافت	
شَرٌّ = سَوْءٌ بدی	طَّرِيقٌ = سَبِيلٌ راه	اَرْسَلَ = بَعَثَ فرستاد	داءٌ = مَرَضٌ بیماری	رَأَى = شَاهَدَ دید	
أَعَانَ = سَاعَدَ یاری کرد، کمک کرد	حَفَظَ = لَذَّةٌ = نَصِيبٌ بخت، بهره، کامیابی	حَسِبَ = ظَنَّ گمان کرد، پنداشت	إِهْتِمَامٌ = عِنَايَةٌ توجه	قَدَفَ = رَمَى انداخت، پرتاب کرد	
حَدَّثَ = كَلَّمَ سخن گفت	إِزْدَادٌ = إِشْتَدَّ زیاد شد، افزایش یافت	سَلَامٌ = صُلِحَ آشتی، صلح	أَنَارَ = أَضَاءَ روشن کرد	فَرَحٌ = سُورُورٌ = بَهْجَةٌ = إِنْشِرَاحٌ شادمانی	متضاد
حَرَقَ = أَطْفَأَ سوزاند ≠ خاموش کرد	صِرَاحٌ، نِزَاعٌ ≠ سَلَمٌ درگیری، کشمکش ≠ آشتی	إِزْدَادٌ ≠ قَلَّ زیاد شد ≠ کم شد	تَجَنَّبَ ≠ تَقَرَّبَ دوری کردن ≠ نزدیکی کردن	حَنِيفٌ، مُوَحَّدٌ ≠ مُشْرِكٌ یکتاپرست ≠ چندگانه پرست	
رَحِمَ، عَفَرَ ≠ عَاقَبَ رحم کرد، آمرزید ≠ تنبیه کرد، کیفر داد	غَضِبَ ≠ هَدَأَ خشمگین شد ≠ آرام شد	كَسَرَ ≠ وَصَلَ شکست ≠ وصل کرد	تَهَامَسَ ≠ صَرَخَ پچ پچ کرد ≠ فریاد زد	أَخَذَ ≠ قَدَفَ، رَمَى گرفت ≠ انداخت	
أَجَابَ ≠ سَأَلَ پاسخ داد ≠ پرسید	خُرَافَةٌ ≠ حَقِيقَةٌ افسانه، موهوم ≠ حقیقت	تَارَكَ ≠ مَتَمَّيْلٌ رها کننده ≠ مایل	خَفِيَ ≠ ظَاهِرٌ پنهان ≠ آشکار	أَعْلَى ≠ أَرْحَصَ گران تر ≠ ارزان تر	
حَسِبَ ≠ اِطْمَئَنَّنَ پنداشت ≠ مطمئن شد	خَيْرٌ ≠ شَرٌّ خوبی ≠ بدی	إِضَاءَةٌ، إِزَارَةٌ ≠ إِطْفَاءٌ روشن کردن ≠ خاموش کردن	أَضْحَكَ ≠ أَبْكَى خندانید ≠ گریانید	إِنتَسَمَ، صَحِكَ ≠ بَكَى لبخند زد، خندید ≠ گریه کرد	
تَمَائِيلٌ ← تَمَثَّلَ تندیس، مجسمه	رَسُومٌ ← رَسَمَ نقاشی	نُقُوشٌ ← نَقَشَ کنده کاری، نگاره	أَثَرٌ ← أَثَرَ اثر	شُعُوبٌ ← شَعَبٌ ملت	جمع مکسر
أَنْبِيَاءٌ ← نَبِيٌّ پیامبر	أَدْيَانٌ ← دِينٌ دین	قُرَابِينٌ ← قُرْبَانٌ قربانی	أَلِهَةٌ ← إِلَهٌ معبود	شَعَائِرٌ ← شَعِيرَةٌ مراسم	
أَحَادِيثٌ ← حَدِيثٌ گفتار، حدیث	أَكْتَفَ ← كَيْفٌ شانه	أَعْيَادٌ ← عِيدٌ عید، جشن	أَصْنَامٌ ← صَنَمٌ بت	أَقْوَامٌ ← قَوْمٌ قوم، گروه	
عِبَادٌ ← عَابَدَ عبادتگر	عِبَادٌ ← عَبَدَ بنده	مَدَنٌ ← مَدِينَةٌ شهر	عِظَامٌ ← عَظْمٌ استخوان	أَبْيَاتٌ ← بَيْتٌ خانه، بیت شعری	
شُرُورٌ ← شَرٌّ بدی	بِلَادٌ ← بَلَدٌ شهر، کشور	فُؤُوسٌ ← فَاسٌ تبر	حُظُوظٌ ← حَظٌّ بخت، بهره	أَنْشُودَةٌ ← أَنْشُودَةٌ سرود	

قواعد

اعلموا (بدانید)

الحروف المشبهة بالفعل و لا التافية لجنس (حروف مشبّهة بالفعل و لا نفي جنس)

به حروف «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ» مشبّهة بالفعل گویند.

این حروف دارای معانی دقیق و بسیار پرکاربرد هستند.

نکته: همه این حروف به جز «لَيْتَ» مشدّد، یعنی دارای «ت» هستند و این راهی است که «أَنَّ و إِنَّ» را با «أَنْ و إِنَّ» اشتباه نگیرید.

معانی حروف مشبّهة بالفعل

● **إِنَّ:** به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان»؛ این حرف جمله پس از خود را تأکید می‌کند و معمولاً در ابتدای عبارت می‌آید.

«... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» التوبة: ۱۲۰ بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ: به درستی که خداوند پروردگار من و پروردگار شماست.

... لَكِنَّ ذَاكِرَةَ الْأَطْفَالِ غَرِيبَةٌ أَوْ قُلُّ إِنَّ ذَاكِرَةَ الْإِنْسَانِ غَرِيبَةٌ... ولی حافظه کودکان عجیب است یا بگو (بهتر بگویم) بی‌شک حافظه انسان عجیب است.

● **أَنْ:** به معنای «که» است؛ دو جمله را به هم پیوند می‌دهد و در وسط عبارت می‌آید.

«قَالَ أَعْلِمُ أَنْ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» البقرة: ۲۵۹ گفت می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

قَدْ سَمِعَ أَحْمَدُ أَنْ صَدِيقَهُ مَرِيضٌ: احمد شنیده است که دوستش بیمار است.

يَعْلَمُ الْأَطْفَالُ أَنَّ الْكِتَابَ نَافِعٌ: کودکان می‌دانند که کتاب سودمند است.

● معمولاً «لَأَنَّ» به معنای «زیرا، برای این‌که» است؛

مثال: لماذا ماسافرت بالطائرة؟ (چرا با هواپیما مسافرت نکردی؟) لَأَنَّ بِطَاقَةَ الطَّائِرَةِ غَالِيَةً. (زیرا بلیط هواپیما گران است.)

● **كَأَنَّ:** به معنای «گویى» و «مانند» است.

«كَاتَبَهُنَّ الْأَبْقَاوُتُ وَ الْمَرْجَانُ» الزّحمن: ۵۸ آنان مانند یاقوت و مرجان‌اند.

كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ: گویى خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به‌دست آورده نمی‌شود.

كَانَ الْأَصْدِقَاءُ يَضْحَكُونَ كَأَنَّهُمْ لَمْ يَخْذُلْ شَيْءٌ: دوستان می‌خندیدند گویى چیزی رُخ نداده است (هیچ اتفاقی نیفتاده است).

كَأَنَّ فَصْلَ هَجْرَةِ الطَّيُورِ قَدْ بَدَأَ: گویى فصل مهاجرت پرندگان آغاز شده است.

● **لَكِنَّ:** به معنای «ولی» است و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله قبل از خودش است.

«إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» البقرة: ۲۴۳

بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیش‌تر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئاً وَ لَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»: خدا به هیچ وجه به مردم ستم نمی‌کند ولی مردم خودشان به خویشان ستم می‌کنند.

● **لَيْتَ:** به معنای «کاش» است؛ بیانگر آرزوست و به صورت «یا لیت» هم به کار می‌رود.

«وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَاباً» التّبا: ۴۰ و کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم!

لَيْتَنِي صَنَعْتُ هَذَا الْبَيْتَ جَيِّدًا: کاش این خانه را خوب ساخته بودم.

● **لَعَلَّ:** به معنای «شاید» و «امید است»، می‌باشد.

«إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» الزّخرف: ۳ بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید.

اجتهدت كثيراً لَعَلَّ وَالَّذِي يَفْرَحَانِ مِنْ نَجَاحِي: بسیار تلاش کردم، امید است که پدر و مادرم از پیروزی من خوشحال شوند.

نکات

۱) به تمام حروف مشبّهة بالفعل می‌تواند ضمیر، متصل شود.

مثال: إِنِّي، أَنِّي، كَأَنَّهُ، لِكَيْتَا، لِيَتْنِي، لَعَلَّكُمْ و ...

۲) گاهی حرف «ما» به حروف «إِنَّ» و «أَنَّ» می‌چسبد، در این صورت این حروف دیگر به صورت «بی‌شک، ...» و «که» ترجمه نمی‌شوند، بلکه معنای «فقط» می‌دهند.

إِنَّمَا الطَّالِبُ الْمُجِدِّ نَاجِحٌ. فقط دانش‌آموز پرتلاش موفق است.

۳) نون وقایه به این حروف متصل می‌شود.

مثال: إِنِّي، وَلَكِنِّي، لِيَتْنِي و ...

تمرین

□ ترجم الحروف المشبّهة بالفعل في العبارات التالية. (حروف مشبّهة بالفعل را در عبارات‌های زیر ترجمه کن.)

- | | |
|---|---|
| ۱- لَعَلَّهُ يَكُونُ قَدْ اشْتَرَى الْكِتَابَ. | ۲- لِيَتْنَهُمْ يَكُونُونَ قَدْ عَلِمُوا. |
| ۳- لَأَحْظُتُ فَاطِمَةَ أَنَّ الطَّلَابَ يُطَالَعُونَ. | ۴- ظَنَّ الطَّلَابُ أَنَّ الْأُسْتَاذَ لَا يَأْتِي. |
| ۵- إِنَّ وَالِدِي رَأَى مَكَانَ السِّيَاحِ وَالْمَزْرَعَةَ بِيوتًا وَشَوَارِعَ. | ۶- أَنْتَ لَا تَحِبُّهُ كَأَنَّكَ تَكْرَهُهُ. |
| ۷- لَيْتَ كُلَّ طَالِبٍ مُجِدِّ يَقْبَلُ فِي الْجَامِعَةِ. | ۸- لَعَلَّ الْقَاضِيَّ يُبَيِّنُ الْحَقِيقَةَ. |

پاسخ

- | | |
|--------------------|-------------|
| ۱- شاید (امید است) | ۲- کاش |
| ۳- که | ۴- که |
| ۵- همانا | ۶- گویی |
| ۷- کاش | ۸- امید است |

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱) (خودت را بیازمای.)

ترجم هاتين الآيتين الكریمتین. (این دو آیه کریمه را ترجمه کن.)

۱- ﴿فَهَذَا يَوْمٌ تُبْعَثُ وَ لِكِنِّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ الزّوم: ۵۶

پس این، روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.

۲- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوقٌ﴾ الصّف: ۴

قطعاً خدا کسانی را که صف بسته در راه او بیکار می‌کنند دوست می‌دارد، گویی آن‌ها ساختمانی استوار هستند.

«لا» النافية لجنس

- جواب: به معنای «نه، خیر» ← در پاسخ به «هَلْ» و «أ» می‌آید. أ أَنْتَ مِنْ بُجُنُودٍ؟ لا، أَنَا مِنْ بَيْرَجَنْد.
- نفی فعل مضارع: بر سر فعل‌های مضارع می‌آید. لا يَذْهَبُ: نمی‌رود، لا تَأْكُلُ: نمی‌خوری، نمی‌خورد
- نفی فعل مضارع: بر سر فعل‌های مضارع می‌آید. لا تَذْهَبُ: نرو، لا يَذْهَبُ: نباید برود
- نفی جنس: بر سر اسم می‌آید. لا عِلْمَ لَنَا: هیچ علمی نداریم (برای ما نیست).

● در این درس با «لا»ی نفی جنس آشنا می‌شویم. این «لا» فقط بر سر اسم می‌آید. تفاوت آن با «لا»ی نفی و نهی نیز همین است، زیرا آن‌ها بر سر فعل می‌آیند. آن اسم به هیچ‌وجه «أَل» و تنوین (ئِ) نمی‌گیرد.

﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾ الْبَقَرَة: ۳۲ جز آن چه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نداریم. (برای ما نیست).

﴿لَا فِقْرَ أَشَدَّ مِنْ الْجَهْلِ﴾ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

﴿لَا كَنْزَ أَعْتَى مِنَ الْقِنَاعَةِ﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست.

تمارین کتاب درسی

● **التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:** أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (کدام کلمه از کلمات لغت‌نامه درس مناسب توضیحات زیر است؟)

- ۱- آله ذات ید من الخشب و سین عریضه من الحديد یقطع بها: الفأس: تبر
 ابزاری دارای دسته‌ای از چوب و دندانی پهن از [جنس] آهن که با آن بریده می‌شود.
- ۲- تمثال من حجر أو حشب أو حديد یعبد من دون الله: الصنم: بت
 تندیس از سنگ یا چوب یا آهن که به جای (جز) خدا پرستش می‌شود.
- ۳- عضو من أعضاء الجسم یقع علی الجذع: الکتف: شانه
 عضوی از اعضای بدن که بالای تنه واقع می‌شود.
- ۴- التارک لباطل و المتمایل إلی الذین الحقی: الحنیف: یکتاپرست
 رهاکننده باطل و متمایل به دین حق است.
- ۵- إنهم بدؤوا یتکلمون بکلام حفی: التهامس: بیج بیج کردن
 همانا آن‌ها شروع به سخن گفتن پنهانی کردند.

● **التَّمْرِينُ الثَّانِي:** تُرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْحَرْفَ الْمُسَبَّهَ بِالْفِعْلِ، وَ لَا النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ. (عبارت‌های زیر را ترجمه کن، سپس حرف مُسَبَّهَ بالفعل، و لای نفی جنس را مشخص کن.)

- ۱- ﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ یس: ۲۶ و ۲۷
 گفته شد: وارد بهشت شو. گفت: ای کاش قوم من بدانند. آنچه را پروردگارم مرا آمرزید و مرا از گرامیان قرار داد. لَيْتَ: مشبهه بالفعل
- ۲- ﴿... لَا تَحْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ...﴾ التَّوْبَةُ: ۴۰
 ... اندوهگین مباش، بی گمان خدا با ماست ...
- ۳- ﴿... لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ...﴾ الْأَصْفَاتُ: ۳۵
 ... هیچ معبودی جز خدا نیست ...
- ۴- لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
 هیچ دینی ندارد کسی که هیچ پیمانی ندارد.
- ۵- إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ صَافِيهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ. رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
 همانا از سنت است که مرد با مهمانش تا در منزل بیرون برود. (تا جلوی در مهمانش را همراهی کند).

● **التَّمْرِينُ الثَّالِثُ:** الْف. إِفْرَأَ الشَّعْرَ الْمُنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ. (شعر منسوب به امام علی علیه السلام را بخوان سپس ترجمه کلماتی که زیرشان خط است، مشخص کن.)

إِنَّهَا الْفَاحِشُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمَّ وَ لِأَبِ
 هَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبِ
 بَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبِ
 إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبِ

ای که نابخردانه افتخارکننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدرند.

آیا آنان را می‌بینی (می‌پنداری) که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند؟

بلکه آنان را می‌بینی (می‌پنداری) از تکه گلی آفریده شده‌اند. آیا به‌جز گوشت و استخوان و پی‌اند؟

افتخار، تنها به خردی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است.

ب. اِسْتَخْرَجْ مِنَ الْأَبْيَاتِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ، وَ الْجَازَّ وَ الْمَجْرُورَ، وَ الصِّفَةَ وَ الْمَوْصُوفَ.

(از بیت‌ها اسم فاعل، و فعل مجهول و جاز و مجرور، و صفت و موصوف را استخراج کن.)

اسم فاعل: الْفَاحِشُ - ثابت / فعل مجهول: خَلِقُوا / جاز و مجرور: بِالنَّسَبِ - لِأُمَّ - لِأَبِ - مِنْ فِضَّةٍ - مِنْ طِينَةٍ - لِعَقْلِ / صفت: ثَابِتٍ / موصوف: عَقْلٍ

۱. قیل: گفته شد (مجهول از فعل «قال: گفت»)

● **التَّمْرِينُ السَّابِعُ:** ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. (در جای خالی کلمه مناسب بگذار.)

(أَنَّ إِنَّ لَكِنَّ

۱- قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ عليه السلام: «..... أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ.»

امام حسن عليه السلام فرمود: همانا بهترین نیکی اخلاق نیک است.

(لَأَنَّ لَا فَإِنَّ

۲- سُئِلَ الْمُدِيرُ: أَفِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ فَأَجَابَ: «..... طَالِبٌ هُنَا.»

از مدیر پرسیده شد: آیا در مدرسه دانش‌آموزی هست؟ پس پاسخ داد: «هیچ دانش‌آموزی این‌جا نیست.»

(أَنَّ لَكِنَّ لَعَلَّ

۳- حَضَرَ السُّيَاخُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ؛ الدَّلِيلُ لَمْ يَخْضُرْ.

گردشگر در سالن فرودگاه حاضر شد؛ ولی راهنما حاضر نشد.

(كَأَنَّ بِأَنَّ كَيْتَ

۴- تَمَنَّى الْمُرَاعُ: «..... الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا.»

کشاورز آرزو کرد: «کاش باران، بیش‌تر ببارد.»

(أَنَّهُ لِأَنَّهُ كَيْتَ

۵- لِمَاذَا يُبْكِي الطِّفْلُ؟ - جَانِعٌ.

چرا کودک گریه می‌کند؟ - زیرا او گرسنه است.

● **التَّمْرِينُ الثَّامِنُ:** أَكْمِلْ تَرْجَمَةَ هَذَا النَّصِّ؛ ثُمَّ اكْتُبِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ. (ترجمه این متن را کامل کن؛ پس محل اعراب (نقش)

کلماتی که زیر آن‌ها خط هست را بنویس.)

حِينَ يَزِي «الطَّائِرُ الذَّكِيُّ» حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قُرْبَ عَشِيهِ، يَتَظَاهَرُ أَمَامَهُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ! فَيَتَّبِعُ^۲ الْحَيَوَانَ الْمَفْتَرِسَ هَذِهِ الْقَرِيبَةَ، وَيَتَّبَعِدُ^۱ عَنِ الْعَشِ كَثِيرًا.

جار و مجرور

فاعل و مرفوع صفت و مرفوع

فاعل و مرفوع مفعول صفت مضاف‌إليه و مجرور و منصوب و منصوب

وَ عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ^۳ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ^۴ الْعَدُوِّ وَ ابْتِعَادِهِ وَ إِفْقَادِ حَيَاةِ فِرَاحِهِ، يَطِيرُ بَعْتَةً.

مضاف‌إليه و مجرور

مجرور به حرف جر

پرنده باهوش هنگامی که جانور درنده‌ای را نزدیک لانه‌اش می‌بیند، روبه‌رویش وانمود می‌کند که بالش شکسته است، در نتیجه جانور درنده این شکار را تعقیب می‌کند و از لانه بسیار دور می‌شود و وقتی که این پرنده از فریب دشمن و دور شدنش و نجات زندگی جوجه‌هایش مطمئن می‌شود، ناگهان پرواز می‌کند.

● **الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ: پژوهش علمی**

إِبْحَثْ عَنِ وَصِيَّةِ أَحَدِ شُهَدَاءِ الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ أَوْ ذِكْرِيَاتِهِ أَوْ أَقْوَالِهِ أَوْ أَعْمَالِهِ، ثُمَّ اكْتُبْهَا فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ، أَوْ ضَعْهَا فِي مَدُونَتِكَ أَوْ مَدُونَةِ مَدْرَسَتِكَ. به دنبال وصیت یکی از شهیدان جنگ تحمیلی یا خاطراتش یا سخن‌ها یا کارهایش بگرد (جست و جو کن)، سپس آن‌ها را در روزنامه‌ای دیواری بنویس یا آن‌ها را در وبلاگت یا وبلاگ مدرسه‌ات بگذار.

سوالات امتحانی درس

مهارت واژه‌شناسی

الف) ترجمه ما تحت خط: (آن چه را زیرش خط است ترجمه کن.)

۱- «... أَقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا...» /

۲- عِبَادَاتُهُ وَ شَعَائِرُهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً.

۳- تَعَدَّدَ الْإِلَهَةُ وَ تَقْدِيمُ الْقَرَابِينِ ... /

۴- «أَيُّ حَسَبِ الْإِنْسَانِ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى»

۵- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنِ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ. /

۶- حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. /

۷- حَمَلَ فَأْسًا وَ كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ ... /

۱. مکسور: شکسته

۲. تَبِعَ: تعقیب کرد

۳. تَأَكَّدَ: مطمئن شد

۴. خِدَاعٌ: فریب

٨- عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ. /

٩- الْقَوْمُ بَدَّوْا يَتَهَاْمَسُونَ.

١٠- إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمَ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَضْمَانَا.

١١- ﴿قَالُوا حَزَقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾

١٢- عَرَفَهَا مِنْ خِلَالِ الْكُتَابَاتِ وَ النَّقُوشِ وَ ... /

١٣- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ ... كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾ /

١٤- لَا شَيْءَ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ.

١٥- لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ النُّغْصَ مَفْسَدَةٌ.

ب عَيْنَ الْمُرَادَفِ وَ الْمُتَضَادِّ لِلْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: (مترادف و متضاد كلمات زير را مشخص كن.)

١٦-

السُّلْمُ	إِسْتَدَّ	وَحْدَةً	نَيْسِي	أَظْهَرَ	الْمَرَضُ
تَقَرَّبَ	ظَنَّ	بَعَثَ	إِذَا	جَدَّ	سَأَلَ

تَجَنَّبَ ≠	إِزْدَادٌ =	دَكَرَ ≠	سَعَى =
حَسِبَ =	بَيَّنَّ =	لَمَّا =	الدَّاءُ =
أَرْسَلَ =	صِرَاعٌ ≠	جَمِيعٌ ≠	أَجَابَ ≠

ج أَكْتُبُ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: (مفرد يا جمع كلمات زير را بنويس.)

١٧- الْأَصْنَامُ	مفرد	أَلْكَتِفَ	جمع	الشَّعْبُ	جمع	الْفَأْسُ	جمع
الْقُرْبَانَ	جمع	النَّقُوشِ	مفرد	الْعِظَامُ	مفرد	التَّبْيِ	جمع

مهارة ترجمه به فارسی

د ترجم العبارات التالية إلى الفارسية: (عبارات های زير را به فارسی ترجمه كن.)

١٨- ﴿قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

١٩- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾

٢٠- لَمْ يَتْرِكِ اللَّهُ النَّاسَ؛ لِذَلِكَ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الدِّينَ الْحَقَّ.

٢١- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

٢٢- لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

٢٣- الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي أَكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ وَ الْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا مِنْ خِلَالِ الْكُتَابَاتِ وَ النَّقُوشِ وَ الرُّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ تَوَكَّدَ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالَّذِينَ.

٢٤- تَعَدَّدُ الْأَلِهَةُ وَ تَقْدِيمُ الْقُرَابِينَ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنَّبَ شَرَّهَا تَدُلُّ عَلَى أَنَّهَا خُرَافِيَّةٌ.

٢٥- إِبْرَاهِيمُ حَمَلَ فَأْسًا وَ كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.

٢٦- لِنَدُّكَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

٢٧- فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ كَانَ الْقَوْمُ يَخْرُجُونَ مِنَ الْمَدِينَةِ فَبَقِيَ إِبْرَاهِيمُ وَحِيدًا.

٢٨- لَا شَيْءَ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ.

٢٩- لَا فَقرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ.

٣٠- لَيْتَنِي أَشَاهِدُ جَمِيعَ مُدُنِ بِلَادِي.

٣١- النَّاسُ سَأَلُوهُ: ﴿أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾ أَجَابَهُمْ إِبْرَاهِيمُ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.

۳۲- بَدَأَ الْقَوْمَ يَتَهَامَسُونَ «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا»

۳۳- إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ ثَابِتٍ / وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ

۳۴- «و لَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً»

۳۵- «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»

۳۶- «أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»

۳۷- إِنَّ الدِّينَ فَطَرَنِي فِي وَجُودِ الْإِنْسَانِ وَلَكِنَّ بَعْضَ عِبَادَاتِهِ وَ سَعَائِرِهِ كَانَتْ خُرَافِيَّةً.

۳۸- از دادند الخرافات في أديان الناس على مَرَّ العصور ولكن الله تبارك و تعالی لم يترك الناس على عبادة الآلهة.

۳۹- «أَ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى»

۴۰- يُعَلِّقُ إِبْرَاهِيمُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ الصَّنَمِ الْكَبِيرِ وَ يَتْرُكُ الْمَعْبَدَ.

۴۱- لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكَسَّرَةً وَ ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ هُوَ الْفَاعِلُ، فَأَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ.

۴۲- قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ وَ النَّاسُ قَدَفُوهُ فِي النَّارِ، فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.

۴۳- أَعَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْعَرِ الْأَصْنَامِ!؟

۴۴- «كَاتِبُهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ»

۴۵- «لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا»

۴۶- «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»

۴۷- أَيُّهَا الْفَاحِشُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ / إِنَّمَا النَّاسُ لَأُمَّمٌ وَ لِأَبٍ

۴۸- إِنَّ مِنْ السَّنَةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ صَيفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ.

۴۹- لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعِدَاةَ بَيْنَهُمْ.

۵۰- لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.

۵۱- حِينَ يَرَى الطَّائِرَ الذَّكِيَّ حَيَوَاناً مُفْتَرِساً يَتَظَاهَرُ أَمَامَهُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ.

هـ عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ: (ترجمة درست را مشخص کن.)

۵۲- «وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَاباً»

- (۱) و کافر می‌گوید امید است که من چون خاک باشم.
- (۲) و کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم.

۵۳- «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»

- (۱) بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید.

- (۲) بی‌شک ما قرآن را به عربی نازل کردیم شاید شما بیندیشید.

۵۴- «فَهَذَا يَوْمٌ الْأَبْغِثُ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

- (۱) چه بسا که امروز روز برانگیختن است ولی شما نمی‌دانید.
- (۲) پس این روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.

۵۵- لَا حَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ.

- (۱) خیر و خوبی تنها با کار کردن نیست بلکه به گفتار است.
- (۲) هیچ خوبی در سخنی جز با کار کردن نیست.

۵۶- عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ يَطِيرُ بَعْتَةً.

- (۱) هنگامی که پرنده از فریب دشمن مطمئن شد، ناگهان پرواز کرد.

- (۲) وقتی که پرنده از فریب دشمن مطمئن می‌شود، ناگهان پرواز می‌کند.

۵۷- «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ»

- (۱) گفته شد به بهشت داخل شو، گفت ای کاش قوم من بدانند آن چه که پروردگارم برایم آمرزید و مرا از گرامی داشتگان قرار داد.

- (۲) گفته شد داخل بهشت شو، گفت، ای کاش قوم من می‌دانستند آن چه را که پروردگارم مرا آمرزید و مرا از گرامی داشته شدگان قرار داد.

و كَمَلِ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ: (جاهای خالی را در ترجمه کامل کن.)

۵۸- كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذُكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، ... لَا بَرَكَةَ فِيهِ.

هر غذایی که نام خدا بر آن ، ... هیچ برکتی در آن

۵۹- كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُذْرَكُ.

..... خشنود ساختن همه مردم

۶۰- لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ.

..... فقری و میراثی

۶۱- يَتَّبِعُ الْحَيَوَانَ الْمَفْتَرَسُ الْفَرِيسَةَ وَ يَبْتَعِدُ عَنِ الْعَشِّ كَثِيرًا.

جانور شکار را و از لانه

۶۲- ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ ...﴾

و که به غیر خدا را دشنام ندهید زیرا که به خدا

۶۳- بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِن طِينَةٍ / هَلْ سَوَىٰ لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ

بلکه که از آفریده شدند/ آیا گوشت و و اند.

ز تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ: (فعل‌های زیر را ترجمه کن.)

۶۴- ۱- أَضْحَكَ:	أَضْحَكِي:	لم تُضْحِكْ:	لا تُضْحِكْنَ:
۲- عَلَّمَا:	سَوْفَ أُعَلِّمُ:	لِيُعَلِّمُوا:	أَنْ تُعَلِّمِي:
۳- تَهَامَسُوا:	يَتَهَامَسُونَ:	تَهَامَسِي:	سَأَتَهَامَسُ:
۴- لَيَتَهَمَّنَّ:	لِكِي تَتَجَنَّبُ:	لَتَتَجَنَّبُ:	لا يَتَجَنَّبُ:

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

ح عَيْنُ نَوْعِ «لَا»: (نوع «لا» را مشخص کن.)

- ۶۵- ۱- لَا تَقْرَبْ، هُنَا يَثْرُ.
- ۲- أ أَنْتَ طَهْرَانِيٌّ؟ لَا، أَنَا إِصْفَهَانِيٌّ.
- ۳- لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ.
- ۴- أَيُّهَا الطَّالِبُ لِمَاذَا لَا تَقْرَأُ الدَّرُوسَ؟

ب عَيْنُ مَا ظَلَبَ مِنْكَ: (آن چه از تو خواسته شده را مشخص کن.)

- ۶۶- ﴿... لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (اسم الفاعل:) (.....)
- ۶۷- ﴿... أَيْ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ (الفعل المعلوم:) (.....)
- ۶۸- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ السَّكَّةَ الْفَاسَىٰ عَلَىٰ كَتِفِ أَكْبَرِ الْأَصْنَامِ. (اسم التفضيل:) (.....)
- ۶۹- هُوَ كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ. (اسم المكان:) (.....)

ی عَيْنُ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَعِينَةِ: (نقش کلمات مشخص شده را مشخص کن.)

- ۷۰- التَّنْدِيْنُ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ. /
- ۷۱- إِذْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعَصُورِ. /
- ۷۲- أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصَّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ. /
- ۷۳- تَكَلَّمُوا بِكَلَامٍ خَفِيٍّ. /
- ۷۴- خَذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ. /
- ۷۵- لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ. /

ك عَيْنِ الحُرُوفِ المَشْبَهَةِ بِالفِعْلِ وَلَا النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِي: (حروف مشبهة بالفعل ولاى نفي جنس را مشخص كن.)

٧٦- ﴿وَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾

٧٧- لَا تَعْضَبْ فَإِنَّ الْفَضْبَ مَفْسُدَةٌ.

٧٨- لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ وَلَا تَبْدَأُ أَيَّ عَمَلٍ دُونَ التَّأَمُّلِ.

٧٩- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾

ل تَرْجِمِ الكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ: (كلمات زیر را ترجمه كن.)

٨٠- ١- تَجَنَّبَ: ٢- مَكْسَرَةٌ: ٣- إِسْتِهْزَاءٌ:

٤- أَشَدُّ: ٥- سَاتِرٌ: ٦- الْإِنْقِطَاعُ:

٧- تَعْلِيمٌ: ٨- مُعَلِّمٌ: ٩- تَوَابٌ:

م أَكْتُبِ الحُرُوفِ المَشْبَهَةَ بِالفِعْلِ المُنَاسِبَةَ حَسَبِ العِبَارَةِ ثُمَّ تَرْجِمُهَا: (حروف مشبهة بالفعل مناسب را بر اساس عبارت بنویس سپس آن ها را ترجمه كن.)

لَعَلَّ - كَأَنَّ - لَكِنَّ - أَنْ - لَيْتَ - لِأَنَّهُ - إِنَّ

٨١- ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قِرْآنًا عَرَبِيًّا كُمْ تَعْقِلُونَ﴾ ٨٤- « أَحْسَنَ الحَسَنِ الخُلُقِ الحَسَنُ »

٨٢- ظَنُّوا إِبْرَاهِيمَ هُوَ الفَاعِلُ. ٨٥- ﴿..... هِنَّ الْيَاقُوتُ وَ المَرْجَانُ﴾

٨٣- تَمَنَّى المَزَارِعُ: « المَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا » ٨٦- لِمَاذَا يَبْكِي الطِّفْلُ؟ - جَانِعٌ.

مهارت درك و فهم

ن ضَعِ الكَلِمَةَ المُنَاسِبَةَ لِلْفَرَاغِ حَسَبِ التَّوْضِيحَاتِ: (كلمه مناسب را بر اساس توضیحات در جای خالی بگذار.)

٨٧- يَتَقَدَّمُهَا النَّاسُ فِي الْأَعْيَادِ لِكَسْبِ رِضَا اللَّهِ. ٩٠- هُوَ الَّذِي لَا يَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ.

٨٨- هُوَ فَطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ. ٩١- آلَةٌ لِقَطْعِ الْأَشْجَارِ.

٨٩- يَتَكَلَّمُ بَعْضٌ فِي أذُنِ بَعْضٍ آخَرَ بِصَوْتٍ خَفِيٍّ.

س عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الخَطَأِ حَسَبِ الحَقِيقَةِ: (درست و اشتباه را بر اساس حقیقت مشخص كن.)

٩٢- لِكُلِّ شَعْبٍ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. ٩٤- الصَّرَاغُ هُوَ السَّلْمُ بَيْنَ الشَّعْبَيْنِ.

٩٣- المَعْبُدُ مَكَانٌ كَانُوا يَعْبُدُونَ هُنَاكَ الْأَصْنَامَ. ٩٥- يَوْمَ البَعَثِ هُوَ يَوْمُ القِيَامَةِ.

ع أَجِبْ عَنِ السُّؤَالَاتِ: (به سؤالات پاسخ بده.)

٩٦- مَنْ هُوَ تَعَبُدٌ (تَعْبُدِينَ)؟

٩٧- هَلْ تَطَنُّ (تَطَنِينَ) أَنْ التَّدِينُ فَطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ؟

٩٨- أَنْتِ (أَنْتِ) مِنْ مَشْهَدٍ؟

٩٩- مِنْ أَيْنَ أَنْتِ (أَنْتِ)؟

ف إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ: (متن را بخوان سپس به سؤالات پاسخ بده.)

* إِذَا نَظَرْنَا فِي التَّارِيخِ نَشَاهِدُ أَشْخَاصًا جَاهِدُوا أَنْ يُنْقِذُوا النَّاسَ مِنَ الخُرَافَاتِ. لِنَذْكُرْ مِثْلًا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُبْعِدَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. هُوَ عَزَمَ عَلَى أَنْ يَكْسِرَ الْأَصْنَامَ عِنْدَمَا يَخْرُجُ النَّاسُ مِنَ المَدِينَةِ. فَحَمَلَ فَاسًا وَ كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ إِلَّا الصَّنَمَ الكَبِيرَ، ثُمَّ عَلَّقَ الفَاسَ عَلَى كَتِفِهِ وَ تَرَكَ المَعْبَدَ. فَبِهِمَ النَّاسُ أَنَّ إِبْرَاهِيمَ هُوَ الفَاعِلُ فَأَحْضَرُوهُ لِلْمَحَاكِمَةِ. قَالَ إِبْرَاهِيمُ: إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الكَبِيرَ مَنْ فَعَلَ هَذَا؟ كَانَ القَوْمُ يَظُنُّونَ أَنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ وَ إِبْرَاهِيمَ يَقْصِدُ أَنْ يَسْتَهْزِئَ بِأَصْنَامِهِمْ لِذَلِكَ قَذَفُوهُ فِي النَّارِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَنْقَذَهُ مِنْهَا.

١٠٠- مَنْ عَزَمَ أَنْ يَكْسِرَ الْأَصْنَامَ؟

١٠١- مَتَى كَسَرَ إِبْرَاهِيمَ الْأَصْنَامَ فِي المَعْبَدِ؟

١٠٢- مَاذَا فَعَلَ القَوْمُ بَعْدَ أَنْ فَهَمُوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ هُوَ الفَاعِلُ؟

١٠٣- لِمَاذَا قَالَ القَوْمُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ يَقْصِدُ إِسْتِهْزَاءَ أَصْنَامِهِمْ؟

* التَّدِينُ فطريٌّ في وجود الإنسان و لا شعب من شعوب الأرض إلا و كان له دينٌ و طريقتُ للعبادة. إذا نَبَحَتْ عَنِ الأَثَارِ القَدِيمَةِ و الحضارات نَعْرِفُ مِنْ خِلالِ الكِتَابَاتِ و النُّقُوشِ و الرُّسُومِ و التَّمَاثِيلِ أَنَّ الإنسانَ كانَ يَهْتَمُّ بِالدِّينِ و هذا يدلُّ على أَنَّهُ فطريٌّ فِيهِ وَلَكِنَّ عِبَادَاتِهِ و شعائره كانت خُرَافِيَّةً. بعضُهُم كانوا يَعْبُدُونَ عِدَّةً مِنَ الأَلِهَةِ و يُقَدِّمُونَ القَرَابِينَ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاها و تَجَنُّبِ سَرِّها.

۱۰۴- كَيْفَ نَعْرِفُ أَنَّ الدِّينَ فطريٌّ فِي الإنسانِ؟

- (۱) إذا نَبَحَتْ عَنِ الأَثَارِ القَدِيمَةِ و الحضارات.
- (۲) مِنْ إهْتِمَامِ الإنسانِ بِالدِّينِ مِنْ خِلالِ الكِتَابَاتِ و النُّقُوشِ و الرُّسُومِ و التَّمَاثِيلِ.
- (۳) لِأَنَّ التَّدِينُ فطريٌّ فِي وجود الإنسانِ.
- (۴) لِأَنَّ شعائِرَ الإنسانِ كانت خُرَافِيَّةً.
- ۱۰۵- إهْتِمَامُ الإنسانِ بِالدِّينِ يدلُّ على
- (۱) أَنَّ الدِّينَ فطريٌّ فِيهِ.
- (۲) أَنَّهُ كانَ خُرَافِيَّةً.
- (۳) عِبَادَةَ عِدَّةِ الأَلِهَةِ.
- (۴) أَنَّهُ يُقَدِّمُ القَرَابِينَ.
- ۱۰۶- لِمَاذَا كانَ يُقَدِّمُ بعضُ مِنَ الشُّعُوبِ القَرَابِينَ؟
- (۱) لِالأُكُلِ
- (۲) لِكَسْبِ رِضَا الأَلِهَةِ و تَجَنُّبِ سَرِّها
- (۳) لِإثْبَاتِ عُبُودِيَّتِهِمْ
- (۴) لِكَسْبِ رِضَا اللّهِ
- ۱۰۷- عِبَادَاتُ و شعائِرُ الإنسانِ فِي القَدِيمِ كانت
- (۱) حَقِيقِيَّةً
- (۲) فطريَّةً
- (۳) قَدِيمِيَّةً
- (۴) خُرَافِيَّةً

پاسخ سوالات امتحانی درس

۱. روی آور - یکتاپرست
۲. مراسم
۳. خدایان - قربانی‌ها
۴. بیهوده و بوج
۵. با ما سخن گفته است - روش و کردار، سرگذشت - کشمکش، نزاع
۶. که نجات دهد - بت‌ها
۷. تبر - شکاند
۸. آویخت، آویزان کرد - شانه
۹. شروع به پیچ پیچ کردند
۱۰. مسخره کردن، ریشخند کردن
۱۱. بسوزانید
۱۲. نوشته‌ها - کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها
۱۳. ساختمان - استوار
۱۴. زندان
۱۵. مایه تباهی
۱۶. تَجَنَّبُ تَقَرَّبُ حَسِبَ ظَنَّ
- (دوری کردن نزدیکی کردن) (پنداشت)
- أَرْسَلَ بَعَثَ إِزْدَادًا إِسْتَدَّ
- (فرستاد) (زیاد شد)
- بَيَّنَّ أَظْهَرَ صِرَاعَ سَلَّمَ
- (آشکار کرد) (کشمکش آشتی)
- دَكَرَ نَسِيَ لَمَّا إِذَا
- (یاد کرد فراموش کرد) (هنگامی‌که)
۱۷. الأَصْنَامُ ← الصَّنَمُ الكَيْف ← الأَكْتاف
- الشَّعْب ← الشُّعُوبِ أَلْفَأْس ← الْقَوُوس
- القَرَبان ← القَرابِينِ النُّقُوش ← النُّقُش
- العِظام ← العِظْمِ النَّبِيُّ ← الأَنْبِياء
۱۸. گفت می‌دانم که خداوند به هر چیزی تواناست.
۱۹. بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است ولی بیش‌تر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.
۲۰. خدا مردم را رها نکرد؛ به خاطر آن برایشان پیامبران را فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.
۲۱. قرآن کریم از سرگذشت پیامبران و کشمکش آنان با قوم‌های کافرشان با ما سخن گفته است.
۲۲. هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر این‌که دینی و روشی برای عبادت داشته باشد.
۲۳. آثار قدیمی‌ای که انسان آن‌ها را کشف کرد و تمدن‌هایی که انسان آن‌ها را از میان نوشته‌ها و نگاره‌ها و نقاشی‌ها و تندیس‌ها شناخت توجه انسان به دین را تأکید می‌کنند.

آزمون درس اول

ردیف	سؤالات
۱	الف: مهارت واژه‌شناسی تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَقًّا. ۱- القومُ بَدَوْا يَتَهَامَسُونَ. ۲- اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حِظِّي.
۲	أَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْمُرَادِفَ وَالْمُضَادَّ. أَخْضَرَ - الصَّرَاعَ - أَخْفَى - أَسْلَمَ - أَتَى بِ- ۱- = ۲- ≠
۳	أَكْتُبْ مَفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَتَيْنِ. ۱- الْأَنْشِيدَ (المفرد): ۲- الْحِطَّ (جمع):
۴	ب: مهارت ترجمه به فارسی تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. ۱- إِنْ مِنَ السَّنَةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ ضَيْفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ. ۲- لَيْتَنَا نَشَاهِدُ جَمِيعَ مَدُنِ بِلَادِنَا إِيْرَانِ لَعَلَّنَا نَتَفَكَّرُ فِي جَمَالِهَا. ۳- يَخْمِي اللَّهُ بِلَادِي مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ وَ يَمَلَأُ الدُّنْيَا سَلَامًا يَشْمَلُ كُلَّ الْجِهَاتِ. ۴- الْقَوْمُ أَخْضَرُوا إِبْرَاهِيمَ لِلْمُحَاكَمَةِ وَ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ! ۵- أَنْتَ تَرَى الْإِنْسَانَ مِنْ طِينَةٍ، هَلْ سِوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ!؟ ۶- الْفَخْرُ لِمَنْ لَهُ عَقْلٌ ثَابِتٌ وَ حَيَاءٌ وَ عِفَافٌ وَ أَدَبٌ. ۷- لَعَلَّ أُسْرَتِي يَسَافِرُونَ وَ لَيْتَ وَالَّذِي كَانَ مَعَنَا. ۸- لَيْتَ الطَّلَابَ الْمُشَافِغِينَ ابْتَعَدُوا عَنْ هَذِهِ الْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ ۹- ﴿... قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ ۱۰- ﴿وَ لَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ ...﴾
۵	إِنتَخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ. ۱- ﴿... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ...﴾ الف) جز آن چه به ما آموخته‌ای، دانشی برای ما نیست. <input type="radio"/> (ب) جز آن چه به ما می‌آموزی هیچ دانشی نداریم. <input type="radio"/> ۲- ﴿... أَوْفَمَ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ الف) با دینداری به دین پناه ببر. <input type="radio"/> (ب) با یکتاپرستی به دین روی آور. <input type="radio"/>
۶	كَمِّلِ الْقُرْآنَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ. ۱- ﴿إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ ۲- لَيْتَ صَدِيقِي ابْتَعَدَ عَنِ الْكِذْبِ. بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم شما دوستم از دروغ
۷	صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ فِي التَّرْجُمَةِ. «لَعَلَّ الْكَافِرَ يَرْجِعَ مِنْ كُفْرِهِ.» کاش کافر از کفرش برمی‌گشت.
۸	ج: مهارت شناخت و کاربرد قواعد تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ. ۱- الْغَفَارُ: ۲- كُنْتُمْ قَدْ تَكَلَّمْتُمْ: ۳- التَّحْمِيلُ: ۴- الصَّائِعُ: ۵- الْحَمَالُ: ۶- سَوْفَ يُعَلِّمُنَا: ۷- لَا يُشْكِرُونَ: ۸- لِيُقَاتِلُوا: